

## بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو

غلامرضا کاظمیان (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه علامه طباطبائی)  
سعید شفیعا (دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه علم و فرهنگ تهران، نویسنده مسؤول)  
s.shafia@usc.ac.ir

### چکیده

تأکیده‌های نظری و تجربی اخیر بر پایداری توسعه با استفاده از سرمایه‌های محلی و بهبود شرایط زندگی از طریق منابع درون‌زا یکی از راهکارهای درخور و اثربخش برای حل مشکل محلات غیررسمی است. بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، یکی از روش‌های کم-هزینه و مطمئن برای دستیابی به توسعه پایدار در این محلات است. این پژوهش توصیفی-پیمایشی، با هدف تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با پایداری توسعه در یکی از محله‌های غیررسمی واقع در شهر تهران انجام گرفته است. هدف مطالعه تأیید وجود رابطه قابل اتکا میان سرمایه‌های درون‌زای محلی با توسعه پایدار سکونتگاه غیررسمی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساز، برای خلاصه‌سازی شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی و برای تحلیل نتایج و طراحی مدل تحقیق، از نظر خبرگان استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را ساکنان محله تشکیل داده‌اند که تعداد ۳۹۰ پرسش‌نامه از خانوارها به صورت تصادفی طبقه‌ای جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد که میان سرمایه اجتماعی ساکنان و پایداری محله، رابطه معنی‌داری برقرار است. این سرمایه بیش از آن‌که به بهبود محیط کالبدی محله اثرگذار باشد، بر توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی محله مؤثر است. در ضمن، در تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین، رابطه‌ای مثبت و قابل قبول میان مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی و تمامی مؤلفه‌های پایداری محلی شناسایی شده است. از سویی بر خلاف نتایج مطالعات پیشین، ساکنان مرفه‌تر اعتماد بیشتری به نهادهای رسمی دارند؛ بنابراین شکل‌گیری و استفاده از سرمایه اجتماعی در یک محله کمتر برخوردار نسبت به محله‌های توسعه‌یافته، دارای الگوی متفاوت است.

**کلیدواژه‌ها:** سرمایه اجتماعی، محله غیررسمی، پایداری محله‌ای، تحلیل مؤلفه‌های اصلی.

## ۱. مقدمه

اثرگذاری بیش‌ازپیش شهرها و کلان‌شهرها بر زندگی انسانی، دستیابی به پایداری و مدیریت مؤثر منابع را در اولویت اصلی مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار داده است. به موازات رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر، سکونت‌گاه‌های نامتعارف و خودانگیخته‌ای درون یا مجاور شهرها یا در مجموعه‌های شهری بزرگ به سرعت ایجاد شده و رشد یافته‌است. اسکان غیررسمی یکی از نمودهای رشد شتابان شهری و عدم تعادل در نظام سکونت‌گاهی است که خود یکی از مسائل اساسی و منشأ بسیاری از مشکلات در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ به شمار می‌رود.

اسکان غیررسمی عبارت است از شکل‌گیری شیوه شهرنشینی ناپایداری که در سکونت‌گاه‌های درون یا مجاور شهرها، با سیمایی ناخوشایند و خارج از فضاهای رسمی و برنامه‌ریزی‌شده، تجلی می‌یابد و با کمیت و کیفیت پایین معیارهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی همراه است (صرافی، ۱۳۸۱: ۵).

برای دستیابی به سیستمی پایدار و قابل اتکا، تعامل و تعادل میان تمامی زیرسیستم‌ها، شرطی حیاتی است. با این نگاه، شهر سیستمی است که محلات رسمی و غیررسمی برای پایداری آن با یکدیگر در تعامل هستند. کم‌هزینه‌ترین و ماندگارترین روش‌ها برای تعادل این سیستم، تکیه بر سرمایه‌های درون‌زای محلی است. سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از منابع حاصل از تعاملات روزانه افراد که نشان‌دهنده میزان اعتماد و هنجارگرایی شبکه‌های اجتماعی است، ذخیره‌ای مناسب برای افزایش تعهدات اجتماعی، نظارت عمومی، مشارکت شهروندی، سلامت و عدالت اجتماعی و فضایی در این محلات است؛ بنابراین مسأله این تحقیق شناسایی میزان اثربخشی سرمایه اجتماعی ساکنان محله غیررسمی برای دستیابی به پایداری محله‌ای غیرپایدار است.

تحقیقات پیشین نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی دارای این سرمایه، با هزینه‌های کمتر زمینه توسعه اجتماعی، اقتصادی و محیطی را به دست می‌آورند و در صورت بروز هر گونه مشکل بر پیامدهای حاصل از تغییرات، شکیبایی می‌کنند.

تحقیق حاضر پس از تبیین مبانی نظری مربوط به سرمایه اجتماعی و پایداری محله‌ای به تشریح سوابق موضوع و روش تحقیق پرداخته و چگونگی ساخت مدل پژوهش را معرفی می‌کند. در ادامه با

نمایش نتایج به دست آمده از تحلیل مولفه‌های اصلی شاخص‌های پایداری، به سنجش میزان همبستگی‌های موجود میان عامل‌های استخراجی و سرمایه اجتماعی بر اساس پیمایش میدانی در یک محله غیررسمی پرداخته و با بررسی و تحلیل یافته‌ها نتیجه‌گیری کرده است.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲.۱. سرمایه اجتماعی

سرمایه شامل مجموعه دارایی‌هایی است که در آینده استعداد تولید ثروت خواهد داشت. سرمایه ملموس فیزیکی، با ایجاد تحول و تغییر در مواد، به شکل‌گیری ابزارهای تولید مدد می‌رساند. سرمایه انسانی، با تغییر در مهارت‌ها و توانایی‌های افراد، زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری و اثربخشی نیروی انسانی می‌شود؛ اما سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است که از تعاملات اجتماعی حاصل می‌شود و بسیار غیرملموس است. این نوع از سرمایه که بیشتر جنبه انتزاعی دارد، در تسهیل کنش‌های اجتماعی و کاهش هزینه‌های عمومی خودنمایی می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۶۴). سرمایه اجتماعی مفهومی چند-بعدی است که شامل گستره شبکه‌ها، اعتماد، وظایف و الزامات متقابل، هنجارهای عملیاتی و دانش محلی است (ایوانس و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹). مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که مدل‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی در میان محققان از وحدت رویه خاصی برخوردار نیست. اعتماد از دیدگاه بیشتر محققان، با اهمیت‌ترین بخش سرمایه اجتماعی است (عبدالرحمانی، ۱۳۸۴؛ ربیعی ۱۳۸۳؛ قنبرلو، ۱۳۸۳؛ گیدنز، ۱۳۸۷)؛ زیرا به‌طور مستقیم بر جامعه مدنی و دموکراسی مؤثر است و زمینه‌ساز ایجاد تعاملات نظام‌مند و اثربخش در سیستم‌های رسمی و غیررسمی است (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱۸). از دیدگاه محققان، تنها توجه سطحی به وجود سرمایه اجتماعی ضامن دستیابی به پایداری نیست. نتایج مطالعات در کارتل‌های نفتی و گروه‌های گانگستری نشان داده است که وجود سرمایه اجتماعی در شبکه‌های فاقد هنجارهای متعارف اجتماعی می‌تواند با انحصار بازار یا تخریب منابع عمومی همراه باشد (اینگرام و رابرتز، ۲۰۰۰)؛ بنابراین سرمایه اجتماعی را می‌توان سرمایه‌ای حاصل از تعاملات اجتماعی افراد در شبکه‌های مختلف اجتماعی دانست که از پیوندهای قوی و ضعیف موجود در این

تعاملات تغذیه می‌کند و بر اساس سطح هنجارگرایی شبکه‌ها، بر کلیت جامعه مؤثر است. نتیجه این سرمایه، شکل‌گیری سطحی از مشارکت مردمی برای دستیابی به اهداف جمعی است.

## ۲.۲. پایداری در محله

هر چند از دیدگاه محققان، پایداری مفهومی پیچیده و سنجش آن مشکل است (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)؛ اما با رعایت اصولی مثل روشنی، قابل‌کنترل‌بودن و سنجش‌پذیربودن شاخص‌ها، تلاش‌های زیادی برای تحلیل این مفهوم صورت گرفته است (طیبیان، ۱۳۷۸). توسعه پایداری فرآیندی است که در آن یک کشور برای برآورده‌سازی و ارتقای نیازهای زندگی و بقا، از منابع نسل‌های آینده بهره‌برداری نکند و توسعه از منابعی صورت گیرد که محدودیت دسترسی و حقوقی نداشته باشد (زاهدی، ۱۳۸۶: ۵)؛ بنابراین انسان، اقتصاد، محیط و جامعه، بخش‌های مورد تأکید توسعه پایداری به حساب می‌آیند (شورای تحقیق ملی امریکا، ۱۹۹۹). این نوع توسعه در عین تحقق کیفیت زندگی شهری، زمینه‌ساز توسعه انسانی پایدار، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین دستیابی به پایداری شهری و محله‌ای با بهبود رفاه شهروندی و افزایش کیفیت زیرساخت‌های خدماتی و تجهیزاتی همراه است (نقوایی و محمدی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۶). موفقیت در پایداری دارای سه رکن است: پیشرفت همگام اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی (ایوانس و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۵). دیدگاه‌های اخیر، مشارکت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در محله‌های مسکونی را عوامل اصلی تحقق پایداری توسعه می‌دانند و توسعه پایداری محله‌ای با تمرکز ویژه بر توانایی‌های موجود محله‌ای شناخته می‌شود (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۳)؛ بنابراین محله‌ای پایدار است که با استفاده از توانایی‌ها و منابع اکولوژیک، انسانی و اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق سلامت، بهداشت، کیفیت زندگی، امنیت و حفظ تعامل پایدار میان محیط انسان ساخت و محیط زیست باشد؛ اما مهم‌ترین اصل برای حفظ پایداری توسعه، دستیابی به سطح مطلوبی از هماهنگی در میان عناصر نظام توسعه است. به شکلی که تحول در یک بخش به قیمت توقف یا تخریب بخش‌های دیگر نباشد (سعیدی‌رضوانی و کاظمیان، ۱۳۸۲: ۲۷)؛ بنابراین دستیابی به پایداری در سطح محله از طریق هماهنگی میان عناصر انسانی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی محله مقدور است، به شرطی که این

تعاملات در سطح شهر و منطقه باعث حفظ و تقویت نظام توسعه شده و قابلیت‌های درون محله‌ای، موتور محرک این ثبات باشد.

### ۳. پیشینه تحقیق

جاکوب در کتاب معرف خود به عنوان «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی» مدعی شد، افزایش سرمایه اجتماعی در بهداشت و امنیت اجتماعی که از مؤلفه‌های پایداری شهری است، مؤثر است (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۱۱). در گزارش سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تأکید شده است که سلامت، جرایم کمتر و دستیابی به حکمرانی بهتر، با سرمایه اجتماعی در ارتباط قابل قبولی قرارداد (رابرت و همکاران، ۲۰۰۱). بوهیان و اورز<sup>۱</sup> در کار پژوهشی اثبات کردند که میان سرمایه اجتماعی و ابعاد پایداری رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است (بوهیان و اور، ۲۰۰۵). ماتنگ<sup>۲</sup> و همکارانش در گزارشی تأکید کردند که میان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های محیطی و اجتماعی پایداری سکونت‌گاه‌های فقیرنشین آفریقایی ارتباط معنی‌داری برقرار است (ماتنگ و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهشی در تانزانیا اثبات کرد که رابطه مثبت و معنی‌دار میان سرمایه اجتماعی و پایداری اجتماعی برقرار است (ناریان و پریچ، ۱۹۹۹). پژوهشی در محله غیررسمی شمیران نو تأیید کردند که میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱). خاکپور و همکاران در پژوهشی رابطه معنی‌دار میان مؤلفه‌های اعتماد و مشارکت با پایداری توسعه را تأیید کردند (خاکپور و باوان پوری، ۱۳۸۸). موسوی و همکاران در شهرهای استان آذربایجان غربی، اثبات کردند که با ایجاد شبکه‌های اعتماد و پیوند مستحکم کنشگران، دستیابی به توسعه پایدار شهری مقدور است. در این میان، مؤلفه «علاقه فراوان به جامعه» بیشترین تأثیر را در توسعه پایدار شهرهای استان آذربایجان نشان داد. در ضمن، بخش‌های توسعه‌یافته‌تر، سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به سایرین داشتند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعه فیروزآبادی و جاجرمی در تهران نشان داد که مناطق توسعه‌یافته‌تر از اعتماد عمومی، مشارکت رسمی و غیررسمی بیشتری برخوردار است، همچنین مشارکت غیررسمی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، نسبت به مناطق توسعه‌یافته وضعیت مطلوب‌تری دارد (فیروزآبادی و جاجرمی، ۱۳۸۶). قاسمی و همکاران در مطالعه‌ای کتابخانه‌ای در

1. Bhuiyan & Evers

2. Mathenge

جهت بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، افزایش شعاع اعتماد و شکل‌گیری شبکه‌های روابط اجتماعی را بر فرآیند توسعه اقتصادی مؤثر دانستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). محسنی تبریزی و آقامحسنی در پژوهشی در شهر محلات تأیید کردند که بین سرمایه اجتماعی و توسعه شهری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت بیشتر و انسجام اجتماعی کمتر با توسعه شهری پایدار بیشتر همراه است (محسنی تبریزی و آقامحسنی، ۱۳۸۹).

#### ۴. روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی است که با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی و نظر خبرگان<sup>۱</sup> مورد تحلیل قرار گرفته است. قلمرو زمانی تحقیق بین ماه‌های مرداد تا بهمن سال ۱۳۸۹ است و قلمرو مکانی، محله شمیران نو واقع در ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران است. برای جمع‌آوری داده‌های میدانی از پرسش‌نامه محقق‌ساز استفاده شده است که به‌عنوان پرسش‌نامه ارزیابی سرمایه اجتماعی و پایداری محله غیررسمی، مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه با ۳۲ سؤال با طیف لیکرت و ۷ سؤال عمومی و دو بخش توضیحات طراحی شده است<sup>۲</sup>. واحد آماری تحقیق را خانوارها تشکیل دادند که سرپرستان هر خانوار مورد مصاحبه قرار گرفتند. بنابر آخرین آمار موجود، تعداد ۱۳۸۷۲ خانوار (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۸۸: ۸۵) و حدود ۴۸۴۴۹ نفر ساکن در این محله حضور دارند (شاهرخ آبادی، ۱۳۸۹: ۸)؛ بنابراین با مراجعه به جدول مورگان جمع‌آوری حداقل ۳۷۷ نمونه برای دستیابی به نتایج مطلوب فرض شده است؛ بنابراین در این پژوهش ۳۹۰ پرسش‌نامه صحیح جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری پرسش‌نامه، گروه اجتماعی ساکنان به‌عنوان گروه هدف،

۱. در این پژوهش خبرگان به تمامی افرادی اطلاق شده است که به سه مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار و سکونتگاه غیررسمی شناخت داشته‌اند و مراحل تحقیق به‌عنوان راهنما نقش هدایت پژوهش را بر عهده گرفته‌اند.  
 ۲. سؤال اول طیف لیکرت به مفهوم توسعه پایدار (در سه مؤلفه) و ۱۴ سؤال باقی‌مانده از این طیف مربوط به سرمایه اجتماعی (در سه مؤلفه) است. در این میان مقدار ۳ به‌عنوان مقدار میانی فرض شد. برای اعتماد از سؤالات و طیف پرسش‌نامه ابتدا ۳۲ پرسش‌نامه توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. پس از تغییرات جزئی در ۶ سؤال (به دلیل عدم انتقال مفهوم و نارسایی کلامی)، ۳۲ پرسش‌نامه داخل محله به صورت آزمایشی جمع‌آوری شد. در طول جمع‌آوری این بخش تلاش شد که اطمینان حاصل شود که نمونه‌های تحقیق، منظور پژوهشگر را درست درک کرده‌اند؛ بنابراین با تغییرات جزئی در متن ۲ سؤال، پرسش‌نامه برای انجام تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

انتخاب و سپس با توجه به وضعیت جغرافیایی و پراکندگی جمعیت، محله به پنج طبقه تقسیم شد و به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای صورت گرفت. این تأکید لازم است که در فرآیند تحقیق به- واسطه نامشخص بودن دلیل پاره‌ای از ارتباطات کشف‌شده، مصاحبه‌های اکتشافی صورت گرفت که زمینه نتیجه‌گیری نهایی مقاله را فراهم کرد.

روایی ظاهری پرسش‌نامه توسط خبرگان و پایایی محتوای به‌وسیله آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که سازه سرمایه اجتماعی از آلفای ۰,۷۰ و سازه توسعه پایدار از آلفای ۰,۷۲ برخوردار است. برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه، روش تحلیل عاملی تأییدی به کار گرفته شد که نتایج آن در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱- نتایج پایایی سازه‌های تحقیق از روش تحلیل عاملی تأییدی

نتایج پایایی		سرمایه اجتماعی	پایداری محله‌ای
آزمون KMO		۰,۵۰ < ۰,۸۰۰	۰,۵۰ < ۰,۶۷۰
آزمون	Approx. Chi-Square	۱۴۱۷,۱۵۶	۱۷۷۲,۷۲۴
بارتلت	سطح معنی‌داری	۰,۰۱	۰,۰۱

به‌واسطه بالاتر بودن تمامی مقادیر آزمون KMO از ۰,۵ و کمتر بودن مقادیر سطح معنی‌داری از ۰,۰۵، پایایی سازه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به تعدد شاخص‌های پایداری، برای ساده‌سازی و تحلیل عامل‌های اصلی این سازه، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج این بخش در جدول (۵) قابل مشاهده است. برای کاهش میزان اشتراکات میان عامل‌ها از روش چرخش واریمکس<sup>۱</sup> استفاده شد و تنها مقادیر اشتراکات<sup>۲</sup> بالای ۰,۵ مورد پذیرش قرار گرفت. در نتیجه، ۲۷ شاخص پایداری به ۹ عامل تقلیل یافت که با توجه به مبانی نظری تحقیق، نظر خبرگان و میزان اشتراکات نام‌گذاری شد. مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و منابع تأییدکننده در جدول (۳) و (۵) قابل مشاهده است.

#### ۴.۱. شیوه سنجش سرمایه اجتماعی و پایداری محله

به‌واسطه در دسترس نبودن ابزارهای مناسب برای سنجش سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده، ترکیبی از روش‌های مرسوم در پژوهش‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفت. مرور پژوهش‌های پیشین

1. Varimax
2. Communalities

نشان داد که محققان گرایش زیادی به استفاده از دو روش رایج سنجشی سرمایه اجتماعی توصیه شده توسط پاتنام و فوکویاما دارند (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۳). از دیدگاه پاتنام<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی به اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی یک سازمان اجتماعی، قابل تقلیل است و ارزیابی این مؤلفه‌ها مساوی سنجش سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۷). تحقیقات پیشین در ایران اثبات کرده است که بزرگ‌ترین نقص این نوع از سرمایه اجتماعی، ضعف اعتماد به گروه‌های غیرخانوادگی است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶)؛ بنابراین مؤلفه‌های این تحقیق، تنها به سنجش شاخص‌های خارج خانوادگی محدود می‌شود. از دیدگاه فوکویاما، سنجش آثار سرمایه اجتماعی یکی از روش‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین با ملاحظه متغیرهای مداخله‌گر می‌توان سرمایه اجتماعی را به‌طور غیرمستقیم ارزیابی کرد. در تحقیقات پیشین، مشارکت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شناخته شده است (برغمدی، ۱۳۸۷؛ فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). بر اساس نظر خبرگان تمایل و ذهنیت فردی برای مشارکت با نهادهای مرتبط با توسعه محله‌ای یکی از مؤلفه‌های آثار سرمایه اجتماعی است. مشارکت اجتماعی ترکیبی از تمایلات، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و رفتارها است و به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم می‌شود (موسایی و شیانی، ۱۳۸۹: ۲۴۹)؛ بنابراین در بخش سنجش آثار سرمایه اجتماعی، ذهنیت‌ها و تمایلات پاسخ‌دهندگان برای مشارکت با نهادهای دخیل در توسعه محله‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بخش برای انتخاب نهادهای مؤثر در محله، از مدل کنش‌گران حوزه‌های مدیریت شهری استفاده شد. این مدل که بر اساس تئوری رژیم طراحی شده است، کنش‌گران را به چهار دسته دولتی رسمی، دولتی غیررسمی، مردمی رسمی و مردمی غیررسمی تقسیم می‌کند (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴)؛ بنابراین چگونگی سنجش سرمایه اجتماعی به صورت جدول (۲) استخراج شد.

جدول ۲- چگونگی سنجش سرمایه اجتماعی تحقیق

مفهوم	نوع سنجش	ابعاد	مؤلفه‌ها
سرمایه اجتماعی	مستقیم (مطابق دیدگاه پتنام)	هنجار	رسمی و غیررسمی
		اعتماد	رسمی و غیررسمی
		شبکه	رسمی و غیررسمی
	آثار (مطابق دیدگاه فوکویاما)	ذهنیت	نهادهای دولتی رسمی، غیررسمی و نهادهای مردمی رسمی، غیررسمی
		مشارکتی	

## 1. Putnam



با لحاظ شرایط محله غیررسمی مورد بررسی و اعمال نظرات خبرگان آشنا به مفاهیم پایداری و اسکان غیررسمی، مدل تحقیق با ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی استخراج شد. پژوهش‌های پیشین همواره بر سه بعد اجتماعی، اقتصادی و محیطی تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. جدول (۳) نمایشی از ابعاد و مؤلفه‌های این تحقیق برای مفهوم پایداری محله‌ای است.

جدول ۳- مدل تحلیلی پایداری محله‌ای با نگاه به سکونت‌گاه غیررسمی

ابعاد	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	منابع تأییدکننده
محیطی	دسترس پذیری	فضا، ابزار رفت و آمد، حمل و نقل	(خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸) (عزیزی، ۱۳۸۵) (بیگلری، ۱۳۸۹) (برتون، ۱۳۸۳)
	زیست‌پذیری	سکونت‌گاه، سیمای محله، هنجارگرایی محیطی، آلاینده‌ها	(عزیزی، ۱۳۸۵) (بیگلری، ۱۳۸۹)
اقتصادی	اقتصاد خانوار	مسکن، هزینه‌ها، پس‌انداز	(بیگلری، ۱۳۸۹) (برتون، ۱۳۸۳)
	فعالیت‌پذیری محله	پایداری و بویایی اقتصاد محلی	(بیگلری، ۱۳۸۹) (برتون، ۱۳۸۳)
اجتماعی	امنیت	عینی، ذهنی	(بیگلری، ۱۳۸۹) (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸) (سیامکی، ۱۳۸۹) (غفاری و امید، ۱۳۸۸) (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱)
	مشارکت	نهادهای خیریه، همسایه‌ای	(نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸) (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱)
	حس تعلق	محله، همسایه‌ها	(نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸) (غفاری و امید، ۱۳۸۸) (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۱)

#### ۴.۲. محله غیررسمی شمیران نو

طبق تقسیم‌بندی شهرداری منطقه ۴، محله از شمال به جنگل لویزان و محله ولی‌عصر و شیان، از جنوب به خیابان شهید صبوری و محله کالاد، از شرق به خیابان هنگام و از طرف غرب به اتوبان امام علی مشرف است؛ اما محدوده عرفی محله از غرب به پادگان نیرو هوایی و از جنوب به پایانه سابق

اتوبوس رانی محدود می شود که محدوده این تحقیق به حساب می آید. مالکان اصلی آن؛ یعنی برادران جعفری پس از تقسیم اراضی، این زمین ها را به مهاجران خارج استانی واگذار کردند و هسته اصلی محله شکل گرفته است (شاهرخ آبادی، ۱۳۸۹: ۳-۴).

براساس تعاریف شاخص های فرسودگی، این محله هر سه شاخص فرسودگی را در خود دارا است<sup>۱</sup>. در حال حاضر این محله دارای انواع آسیب های اجتماعی است و به واسطه حضور جمعیت بسیار زیاد با فرهنگ های متفاوت، مشکلات مختلف اجتماعی و محیطی را در خود جای داده است، بنابر اطلاعات جمعیتی و محاسبات مهندسی مشاور، تراکم این محله حدود دو برابر میانگین تراکم منطقه ۴ شهرداری تهران است (مهندسین مشاور عرصه، ۱۳۸۸: ۸۵)، همچنین کنشگران مختلف با انگیزه های مختلف این محله را میدان ساخت و سازهای غیرمجاز کرده اند که توسعه پایدار این محله را با خطر روبه رو کرده است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۱). به دلایل تأکید طرح تفصیلی تهران به تحولات کالبدی و اجتماعی گسترده در محله شمیران نو، دسترسی مناسب محققان به ساکنان محله و منابع اطلاعاتی مرتبط، مطالعات اندک انجام شده در این محله ناپایدار، این محله به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد.

## ۵. تجزیه و تحلیل

### ۵.۱. تحلیل مؤلفه های اصلی شاخص های پایداری محله ای

بر اساس نتایج به دست آمده از خروجی SPSS، ۹ عامل شناسایی شده قابلیت تبیین بیش از ۶۵ درصد از واریانس کل را دارا هستند؛ بنابراین با مراجعه به نظر خبرگان و استفاده از بیشترین اشتراکات بین عناوین، برای هر عامل عنوانی انتخاب شد که در جدول (۴) آمده است؛ بنابراین سطر اول این جدول عوامل جدید استخراج شده و ستون اول شاخص های تحقیق هستند. شاخص های تشکیل دهنده عوامل در تقاطع میان سطر و ستون ها با رنگ تیره مشخص شده اند.<sup>۲</sup>

۱. شاخص اول مربوط به کیفیت ساخت: شاخص دوم مربوط به بلوک هایی است که بیش از ۵۰ درصد آنها توسط قطعات با مساحت زیر ۲۰۰ متر مربع اشغال شده اند و شاخص سوم مربوط به بلوک هایی است که بیش از ۵۰ درصد قطعات آن از معابری با عرض ۶ متر و کمتر دسترسی می گیرند.

۲. به طور مثال شاخص های استطاعت تأمین مسکن، توانایی تأمین هزینه های زندگی و توانایی پس انداز ماهیانه در عامل رفاه اقتصادی دسته بندی شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی شاخص‌های پایداری

شاخص‌ها تحقیق	عوامل‌های استخراج‌شده								
	دلستگی به محله	سیمای بصری و کیفیت بنا	دلپذیری و امنیت محله	روزانه	دسترس‌پذیری فضاهای محیطی	مزاحمت‌های محیطی	انسجام اجتماعی	دسترس‌پذیری‌های حیاتی	فعالیت‌پذیری محله
استطاعت تأمین مسکن	.۰۶۶	.۰۲۳	.۰۶۷	.۰۱۸	-.۰۹۳	-.۰۸۳	.۰۷۵	.۰۱۸	.۷۶۹
توانایی تأمین هزینه‌های زندگی	-.۳۰۸	.۲۹۶	.۰۵۶	-.۰۳۳	.۱۳۵	.۰۹۶	.۰۵۲	.۰۵۴	.۷۱۰
توانایی پس‌انداز ماهیانه	-.۰۱۰	.۱۵۰	.۰۲۸	-.۰۴۱	-.۰۵۹	.۰۴۶	.۰۷۸	.۰۱۸	.۸۱۹
وجود نیازهای اولیه خانوار در محله	-.۰۲۲	.۰۱۷	.۰۶۲	.۱۳۷	-.۰۰۱	.۰۴۶	.۱۶۶	.۷۷۰	.۰۷۲
مقبولیت مغازه‌داران	.۲۹۸	-.۰۲۰	.۱۳۱	.۰۵۵	.۰۲۶	-.۱۰۲	.۲۰۰	.۵۲۵	.۲۲۲
میزان خرید از مغازه‌های محله	.۰۷۵	.۰۹۰	.۰۳۱	-.۸۰۰	.۰۲۶	.۰۱۴	.۰۴۸	.۸۹۶	.۰۲۷
دسترس‌پذیری محله از خارج از محله	-.۱۴۱	.۰۳۵	-.۰۶۱	.۱۳۲	.۰۳۳	-.۰۰۶	.۶۵۴	.۲۶۵	.۰۲۳
دسترس‌پذیری پارک محله	.۱۳۳	-.۰۵۲	-.۰۳۶	.۱۷۱	-.۰۱۹	.۰۲۲	.۷۲۳	.۰۴۱۷	.۰۲۸
وجود جای پارک ماشین، شب‌هنگام	.۰۰۶	-.۱۸۲	.۳۷۴	-.۰۴۰	.۱۷۶	-.۰۵۰	.۳۹۹	-.۰۰۸	.۱۰۰
کیفیت تاکسی‌های محله	.۶۸	.۱۱۲	.۰۸۷	.۰۹۷	.۰۳۸	-.۰۸۸	.۶۰۸	.۰۷۱	.۱۲۷
شناخت سازمان‌های مردم‌نهاد محله	-.۱۲۹	-.۰۸۲	-.۰۷۰	.۰۲۹	.۰۶۸	.۷۱۴	.۱۰۰	.۰۵۱	.۱۱۰
مهم‌دانستن حل مشکلات محله	.۲۹۳	-.۱۴۴	.۰۳۰	-.۰۴۸	-.۱۵۱	.۶۴۹	.۰۴۸	-.۰۵۱	.۰۲۵
کمک‌رسانی خودجوش در محله	-.۳۵۸	.۰۷۹	.۰۶۲	.۰۷۶	.۰۴۶	.۶۱۱	-.۲۷۰	.۰۲۴	-.۱۱۹

۰.۲۷۴	۰.۱۱۷	-۰.۰۷۳	-۰.۰۵۶	-۰.۰۳۴	۰.۶۳۸	-۰.۱۲۱	-۰.۰۲۵	-۰.۰۶۹	میزان روابط و نزدیکی به همسایه‌ها
۰.۰۶۲	-۰.۲۸۸	-۰.۴۱۷	-۰.۰۴۴	۰.۵۱۶	-۰.۰۶۷	۰.۰۶۳	۰.۱۷۱	۰.۱۲۵	وضعیت پارک‌دوچرخه
-۰.۰۶۴	-۰.۰۲۳	۰.۰۵۹	-۰.۰۳۸	۰.۱۳۷	۰.۰۲۷	۰.۰۱۰	۰.۰۳۰	-۰.۰۹۱	مزاحمت‌های صوتی
۰.۱۶۷	۰.۰۷۳	۰.۲۱۳	۰.۰۶۱	۰.۷۵۶	-۰.۰۵۲	۰.۰۶۶	-۰.۰۴۵	-۰.۰۲۸	مزاحمت به واسطه کاربری‌های مجاور
۰.۰۰۹	-۰.۰۵۱	-۰.۱۴۹	۰.۷۰۳	۰.۰۳۲	۰.۱۱۱	۰.۲۰۲	۰.۰۶۵	۰.۰۹۱	دسترس‌پذیری فروشگاه‌ها
۰.۱۶۰	۰.۰۷۸	۰.۰۵۰	۰.۷۳۸	-۰.۰۶۲	-۰.۰۹۹	۰.۱۶۶	۰.۰۳۰	-۰.۰۱۳	دسترس‌پذیری مدرسه
-۰.۳۰۷	-۰.۰۹۴	۰.۲۲۰	۰.۶۴۸	۰.۰۳۹	-۰.۰۳۳	۰.۰۰۰	۰.۱۲۰	-۰.۲۴۶	دسترس‌پذیری سیستم حمل‌ونقل
-۰.۰۹۱	۰.۲۴۷	۰.۵۴۴	-۰.۲۰۰	۰.۱۲۲	۰.۰۳۳	۰.۴۰۲	۰.۰۴۳	-۰.۱۲۷	پاکیزگی محله
۰.۰۴۰	-۰.۱۵۷	۰.۷۴۶	۰.۰۷۸	۰.۰۶۱	-۰.۰۸۴	-۰.۱۱۶	۰.۱۵۴	۰.۱۴۸	برقراری نظم توسط نیروی انتظامی
۰.۳۷۹	۰.۰۶۸	۰.۴۳۵	۰.۲۹۰	۰.۱۰۵	۰.۰۰۰	-۰.۰۳۳	۰.۳۰۶	۰.۱۶۸	احساس امنیت
۰.۱۷۵	۰.۶۰۵	-۰.۰۱۸	-۰.۰۵۱	۰.۰۴۰	-۰.۰۵۶	۰.۰۲۳	۰.۰۶۷	۰.۳۱۴	مقاومت ساختمان در برابر زلزله
-۰.۰۳۳	۰.۷۷۷	-۰.۰۵۱	۰.۰۱۶	-۰.۰۶۵	-۰.۰۱۸	۰.۰۴۶	۰.۰۴۹	۰.۱۲۴	نمای ساختمان
۰.۶۰۰	۰.۱۰۳	۰.۰۲۱	۰.۰۰۴	۰.۱۳۹	۰.۱۷۳	۰.۰۵۸	۰.۲۰۹	-۰.۱۸۶	دلبستگی به محله
۰.۶۲۲	۰.۰۱۷	-۰.۰۵۳	۰.۰۴۳	۰.۰۳۴	۰.۲۳۸	۰.۱۸۶	۰.۰۶۵	-۰.۰۶۹	دلبستگی به اعضای محله

## ۲.۵. همبستگی میان متغیرهای تحقیق<sup>۱</sup>

آزمون نکویی برازش تأیید کرد که تمامی متغیرهای تحقیق از نوع غیرنرمال هستند؛ بنابراین برای سنجش روابط همبستگی از آزمون اسپیرمن استفاده شده است. جدول (۵) نشان‌دهنده همبستگی میان عامل‌های استخراجی با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است.

۱. (\*\*\*) به معنی سطح معنی‌داری ۰،۰۱ و (\*) سطح معنی‌داری ۰،۰۵ است.

جدول ۵- نتایج همبستگی میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و عامل‌های پایداری محله‌ای<sup>۱</sup>

عامل‌های استخراجی از تحلیل مؤلفه‌های اصلی پایداری محله غیررسمی									مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی
اقتصادی		اجتماعی			محیطی				
فعالیت‌پذیری اقتصاد محله	رُفاه اقتصادی خانوار	دلبستگی به محله	انسجام اجتماعی	دلبذیری و امنیت محله	مزاحمت‌های محیطی	دسترسی‌پذیری فضاهای روزانه	دسترسی‌پذیری‌های حیاتی	سیمای بصری و کیفیت بنا	
.۰۲۷	.۰۷۹	.۰۹۰	(**) .۲۶۰	.۰۳۹	.۰۱۱	-.۰۴۰	-.۰۸۱	.۰۷۷	شبکه رسمی
.۰۳۵	-.۰۲۹	.۱۱۲(*)	(**) .۳۳۱	.۰۸۵	.۰۷۵	-.۰۲۱	-.۰۹۶	-.۰۸۶	شبکه غیررسمی
.۰۴۶	.۲۰۴(**)	.۰۱۶	.۹۹(*)	.۱۴۵(**)	.۰۴۶	.۱۶۹(**)	.۰۷۴	.۰۳۳	اعتماد رسمی
.۰۳۶	.۰۱۱	.۰۹۴	.۴۰۱(**)	.۰۵۲	.۰۰۱	.۰۴۵	-.۰۷۵	.۰۸۵	اعتماد غیررسمی
-.۱۴۷(**)	-.۰۲۸	-.۰۶۶	.۳۰۷(**)	-.۱۸۲(**)	.۰۳۹	.۰۷۶	-.۱۳۳(**)	-.۰۴۷	مشارکت رسمی
-.۰۰۷	-.۰۴۱	-.۰۲۴	.۲۷۸(**)	-.۰۵۹	.۰۸۶	.۱۱۰(*)	-.۰۶۶	-.۰۷۵	مشارکت غیررسمی
.۰۳۳	.۰۶۷	.۰۲۱	-.۱۰۵(*)	.۱۲۶(*)	.۰۷۹	-.۰۰۳	.۰۶۸	.۰۴۱	هنجارگرایی رسمی
.۲۱۰(**)	.۱۲۱(*)	.۱۷۳(**)	.۰۶۳	.۱۲۵(*)	.۰۰۳	.۰۶۷	.۰۴۶	.۱۷۹(**)	هنجارگرایی غیررسمی

## ۳.۵. تشریح نتایج و یافته‌ها

در این بخش به تفکیک مؤلفه‌های استخراجی از تحلیل مؤلفه‌های اصلی، آزمون‌های همبستگی با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی صورت گرفت. *مجله علمی جامعه علوم انسانی*

- فعالیت‌پذیری اقتصاد محله: این عامل از پایداری توسعه، به میزان پایداری و قابلیت اتکای بنگاه‌های اقتصادی محله و گرایش ساکنان به خرید از محله اشاره دارد. نتایج همبستگی‌ها تأیید می‌-

۱. رنگ‌های تیره‌تر موجود بر روی سلول‌ها نشان‌دهنده میزان قدرت رابطه تأیید شده است؛ بنابراین رابطه اعتماد غیررسمی با انسجام اجتماعی، قوی‌ترین نوع رابطه به حساب می‌آید.

کند که رابطه نسبتاً ضعیف؛ اما مثبت و معنی داری با هنجارگرایی غیررسمی (\*\*۰,۲۱۰) و رابطه نسبتاً ضعیف منفی و معنی داری با تمایل به مشارکت با نهادهای رسمی برقرار است (\*\*۰,۱۴۷-). بنابراین افزایش هنجارهای دوستانه و غیررسمی بر فعالیت پذیری اقتصاد محله مؤثر است. در نتیجه، تحرک در اقتصاد محله‌ای بیش از این که نیازمند عاملی بیرونی باشد، به هنجارها و تعصبات محله‌ای وابسته خواهد بود.

• **رفاه اقتصادی خانوارها:** این عامل، نشان‌دهنده میزان توانایی خانوارها در تأمین نیازهای اساسی و توانایی پس‌انداز است. روابط تأیید می‌کند که میان رفاه اقتصادی خانوار با هنجارگرایی غیررسمی و اعتماد به نهادهای رسمی رابطه نسبی مثبت و معنی داری برقرار است (\*\*۰,۲۰۴) بنابراین نمونه‌هایی که وضعیت رفاهی بهتری داشتند به‌طور نسبی از اعتماد رسمی و هنجارگرایی غیررسمی مطلوب‌تری برخوردار بودند.

• **دلستگی به محله:** این عامل نشان‌دهنده وابستگی و کشش فرد نسبت به محیط محله است. نتایج همبستگی‌ها تأیید می‌کند که افرادی که از اتصال به شبکه‌های غیررسمی و هنجارگرایی غیررسمی برخوردار بودند، دلستگی بیشتری به محیط محله نشان داده‌اند (\*\*۰,۱۱۲)؛ بنابراین یکی از روش‌های افزایش دلستگی به محله، افزایش تعاملات شبکه‌های غیررسمی و افزایش هنجارگرایی غیررسمی است.

• **انسجام اجتماعی:** این عامل شامل میزان تمایل افراد به اجتماع محلی، سطح تعامل با همسایه‌ها و گرایش فردی برای حل مشکلات عمومی موجود است. بالابودن سطح این عامل نشان‌دهنده میزان پیوستگی اعضای محله با یکدیگر است. این عامل بیشترین همبستگی را با شاخص‌های سرمایه اجتماعی دارد. میزان همبستگی‌ها نشان می‌دهد که اعتماد غیررسمی (\*\*۰,۴۰۱) بیش از اعتماد رسمی (\*\*۰,۰۹۹) با انسجام اجتماعی در ارتباط است. از سویی افزایش هنجارگرایی رسمی با افزایش انسجام اجتماعی همراه نمی‌باشد (\*\*۰,۱۰۵-). بنابراین الگوی همبستگی این محله نسبت به محلات رسمی شهر، دارای تفاوت است و افرادی که هنجارهای مرسوم جامعه را به هنجارهای موجود در محله ترجیح می‌دهند، از انسجام محله‌ای می‌کاهند (\*\*۰,۱۰۵-). این نتیجه نشان‌دهنده تضادهای موجود در اهداف و ساختارهای اجتماعی این محله غیررسمی با محله‌های رسمی شهری است.

• **دلپذیری و امنیت محله:** این عامل به پاکیزگی، پذیرایی و درک افراد از امنیت محله مرتبط است. نتایج تأیید می‌کند که انواع هنجارگرایی و اعتماد به نهادهای رسمی با دلپذیری و امنیت محله در ارتباط مثبت و معنی‌داری قرار داد. از سویی، نبود دلپذیری و امنیت اجتماعی، با افزایش تمایل مشارکتی با نهادهای رسمی همراه شده است (\*\*۰.۱۸۲-); بنابراین افزایش مداخلات سازمان‌های عمومی برای دلپذیری و امنیت محله با افزایش اعتماد و هنجارگرایی رسمی همراه خواهد بود؛ اما از تمایل افراد برای مشارکت با این نهادها خواهد کاست؛ زیرا اقدامات اقتدارگرا، هرچند به توسعه و بهبود سریع محیط محله و بهبود دیدگاه ساکنان نسبت به نهادهای عمومی اثرگذار است؛ اما دخیل - نبودن ساکنان در این اقدامات، و حالت آمرانه آن‌ها، حس مشارکت‌پذیری و سهیم‌بودن در تغییرات محله را به‌طور نسبی با کاهش مواجه می‌کند.

• **مزاحمت‌های محیطی:** این عامل شامل مزاحمت‌های ناشی از مجاور کاربردی‌ها و ناهمگونی در فعالیت‌های روزانه است. این عامل با هیچ یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی دارای رابطه معنی‌داری نیست. مصاحبه‌های تکمیلی تأیید می‌کند که بیشتر کارگاه‌های صنعتی محله را ساکنان حاضر در محله اداره می‌کنند. عدم پیگیری درخواست‌های مردمی توسط نهادهای رسمی و معذوریت‌های همسایگی نسبت به یک‌دیگر باعث شده که سرمایه اجتماعی موجود در محله، قابلیت تأثیرگذاری بر این مزاحمت‌ها را دارا نباشد.

• **دسترس‌پذیری فضاهای روزانه:** این عامل شامل میزان دسترس‌پذیری فروشگاه‌ها، مدارس و سیستم حمل‌ونقل است. نتایج تأییدکننده همبستگی این عامل با مؤلفه‌های اعتماد (\*\*۰.۱۱۰-) و تمایل به مشارکت غیررسمی (\*\*۰.۱۶۹,۰) است؛ به بیانی، افزایش این دسترس‌پذیری‌ها که عموماً با هزینه‌های زیرساختی کلان بخش عمومی محقق می‌شود، باعث رضایت ساکنان از بهبود شرایط محیطی خواهد شد. این رضایت با افزایش اعتماد آن‌ها نسبت به نهادهای رسمی همراه است، همچنین افزایش امیدواری ساکنان از آینده محله و بهبود شرایط زندگی، آن‌ها را به سمت مشارکت‌های غیررسمی و اقدامات خودجوش تشویق می‌کند.

• **دسترس‌پذیری حیاتی:** این عامل دلالت بر دسترس‌پذیری‌هایی دارد که در ارزش واحدهای مسکونی ساکنان نقش مؤثرتری دارد. دسترسی آسان به خارج محله، دسترسی کم‌هزینه به خدمات

حمل و نقل، دسترسی به پارک و فضای سبز از جمله این دسترسی‌ها به حساب می‌آید. نتایج همبستگی تأیید می‌کند که میان تمایل به مشارکت با نهادهای رسمی و دسترس‌پذیری حیاتی، رابطه نسبی منفی و معنی‌داری برقرار است؛ بنابراین فقدان دسترسی‌های مذکور در بخش‌هایی از محله، تمایل ساکنان برای مشارکت با نهادهای رسمی را افزایش داده است. این تمایل تنها از انگیزه ساکنان برای رفع مشکلات محیطی سرچشمه گرفته است. از سویی بخش‌های بیشتر دسترس‌پذیر محله که از شرایط بهتری برخوردار هستند، به واسطه پاره‌ای از مسائل، کم‌تمایل برای مشارکت‌های آتی با نهادهای رسمی هستند. مصاحبه‌های تکمیلی نشان داد که اکثر اقدامات اخیر حادث شده برای افزایش دسترس‌پذیری‌های حیاتی، باعث کاهش امنیت عمومی ساکنان و آسیب‌های اجتماعی شده است که پیش از این سابقه نداشته‌اند.<sup>۱</sup> ضمناً اقدامات تخریبی برای افزایش این دسترسی‌ها، باعث فروش برخی از خانه‌های محله و مهاجرت ساکنان سابق شده است. این اقدام آثار اجتماعی منفی در میان ساکنان داشته که تمایل آن‌ها برای انجام مشارکت‌های آتی با نهادهای رسمی را کاهش داده است.

• **سیمای بصری و کیفیت بنا:** نتایج نشان می‌دهد که تنها تقویت هنجارهای غیررسمی بر این عامل اثر مثبت دارد (\*\*۰,۱۷۹)؛ بنابراین سیمای و کیفیت بنای ساختمان‌های محله، بیش از آن‌که متأثر از الزامات، هنجارها و تعاملات رسمی باشد، از الزامات و الگوهای هنجاری موجود در روابط اجتماعی محله اثر می‌پذیرد؛ بنابراین برای تقویت سیمای و کیفیت بناهای محله، هر اقدامی که باعث تقویت هنجارهای غیررسمی و افزایش کیفیت تعاملات همسایگی باشد، توصیه می‌شود.

## ۶. یافته‌های پژوهش

با مروری به یافته‌های آماری می‌توان استنباط کرد که دو عامل «انسجام اجتماعی» و «دلپذیری و امنیت محله»، دارای بیشترین روابط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. در حالی که عوامل مربوط به مزاحمت‌های محیطی و سیمای بصری محله، کمترین وابستگی را با سرمایه اجتماعی دارند؛

۱. به طور مثال تأسیس پارک الغدیر در جنوب یا توسعه پارک شقایق در شمال محله به مرور باعث گرایش گروه‌های فروشنده مواد مخدر و دختران خیابانی به این مکان‌ها شده است. هر چند این گروه‌ها پیش از این نیز در محله حضور داشته‌اند؛ اما افزایش دسترسی‌ها و عدم افزایش تمهیدات امنیتی، باعث و شکل‌گیری پاتوق‌های شبانه و علنی شدن آسیب‌های اجتماعی شده است.



بنابراین شاخص‌های اجتماعی توسعه، اولین و قوی‌ترین همبسته با شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند، همچنین از میان مؤلفه‌های اقتصادی و محیطی توسعه پایدار، مؤلفه‌های اقتصادی بیشترین وابستگی را با این سرمایه نشان دادند؛ بنابراین نتایج همبستگی‌ها و مصاحبه‌ها تأیید می‌کند که محیط محله غیررسمی بیش از آن‌که از سرمایه اجتماعی ساکنان تأثیرپذیر باشد، از الزامات و ملاحظات سازمان‌های رسمی و غیررسمی اثرپذیر است.

انواع اعتماد و هنجارگرایی با تمامی ابعاد پایداری در ارتباط هستند؛ بنابراین تقویت و تضعیف این ابعاد، آثار متفاوت و همزمانی در تمامی ابعاد پایداری خواهند داشت. از سویی، ذهنیت برای مشارکت با نهادهای رسمی و غیررسمی، تنها با ابعاد محیطی و اجتماعی مرتبط است؛ بنابراین افزایش این ذهنیت‌ها هیچ اثر مستقیمی در پایداری اقتصادی محله نخواهند داشت.

نتایج تأیید می‌کند که اعتماد رسمی نسبت به اعتماد غیررسمی، با مؤلفه‌های بیشتری از پایداری محله‌ای همبسته است و دارای اهمیتی کلیدی است؛ بنابراین افزایش اعتماد رسمی باعث تقویت تمامی ابعاد توسعه پایدار خواهد شد.

نتایج نشان می‌دهد که پایداری محله‌ای بالا با تمایل به مشارکت پایین و پایداری محله‌ای پایین با تمایل به مشارکت بالا همراه است؛ بنابراین تمایل به مشارکت در بخش‌های ناپایدارتر محله، در سطح معنی‌داری افزایش پیدا می‌کند و نوعی عکس‌العمل نسبت به محدودیت‌های محیطی است. در نتیجه، می‌توان آن را به‌عنوان مکانیزمی دفاعی در قبال شرایط محیطی نامطلوب محله تلقی کرد.

دسته‌بندی‌های رسمی و غیررسمی سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد عوامل غیررسمی بر خلاف عوامل رسمی، هیچ اثر مخربی بر پایداری محله‌ای در محله غیررسمی ندارند. در تحقیقات پیشین نیز اثبات شده بود که کنش‌های جمعی در نواحی توسعه‌یافته‌تر، از طریق سازوکارهای رسمی شکل می‌گیرد و نواحی کمتر توسعه‌یافته، برای انجام کنش‌های جمعی، نیازمند نهادهای غیررسمی هستند (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۴۴). این تحقیق نیز تأیید می‌کند که سازوکارهای غیررسمی در محله غیررسمی، مؤثرترین آثار را در کنش‌های جمعی و پایداری محلی دارد.

پس از دسته‌بندی مجزای شاخص‌های ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> مشخص شد که عوامل ذهنی با انسجام اجتماعی (\*\*۰,۳۶۵) و دسترس‌پذیری‌های روزانه (\*\*۰,۱۵۸) و عوامل عینی با همبستگی اجتماعی (\*\*۰,۳۳۸) و دل‌بستگی به محله (\*\*۰,۱۱۴) در ارتباط است؛ بنابراین عوامل ذهنی بر خلاف عوامل عینی قابلیت اثرگذاری مطلوبی بر محیط محله دارند. در تحقیقات پیشین نیز اثبات شده بود که کیفیت زندگی شهری به‌عنوان مهم‌ترین نتیجه پایداری محلی، از مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی اثرپذیر است (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷)؛ بنابراین برای انتخاب گزینه‌های مداخله در محلات غیررسمی، شاخص‌های ذهنی، گزینه‌های قابل قبول و کم‌هزینه‌ای به حساب می‌آیند. همبستگی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با پایداری محله‌ای به شکلی است که به ترتیب اولویت، اعتماد (\*\*۰,۲۳۴)، هنجارگرایی (\*\*۰,۲۱۳) و اتصال به شبکه‌ها (\*\*۰,۱۴۹) با پایداری محله‌ای در ارتباط است.

#### ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

##### الف) بیان نتایج مطالعه

این تحقیق با هدف تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با پایداری محله غیررسمی محله شمیران نو در شهر تهران صورت گرفت. تحلیل‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی سازه‌ای با اهمیت برای دستیابی به پایداری در محلات ناپایدار غیررسمی است. چگونگی و تعداد همبستگی‌ها مشخص کرد که در این محله «اعتماد» محور اصلی برای تبدیل سرمایه اجتماعی به پایداری محله‌ای است، همچنین اعتماد رسمی با تمامی ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی پایداری در ارتباطی نسبی است، درحالی‌که اعتماد غیررسمی تنها با پایداری اجتماعی رابطه مثبت و تأیید شده‌ای دارد.

##### ب) مقایسه و تحلیل یافته‌ها با مطالعات پیشین

این تحقیق در تأیید پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۱) و فیروزآبادی و جاجرمی (۱۳۸۶)، نشان داد که مؤلفه‌های غیررسمی سرمایه اجتماعی بیش از رسمی بر پایداری محله اثرگذار است. این

۱. عوامل ذهنی عواملی هستند که کیفی بوده و نمود خارجی ندارند و برای اطلاع از آنها دسترسی به ذهنیت فرد پاسخ‌دهنده لازم است. از سویی عوامل عینی عواملی هستند که در محیط خارجی قابل مشاهده هستند و از ذهنیت پاسخ‌دهنده اثر نمی‌پذیرند.

بدان معناست که پایداری محله غیررسمی بیش از آن که مقوله‌ای دستوری و حاصل از اعتماد و هنجارهای رسمی باشد، از بطن هنجارها و تعاملات همسایگی نشأت گرفته است.

همچنین تحقیق تأیید کرد که اعتماد و هنجارگرایی با تمامی ابعاد پایداری در ارتباط معنی‌داری قرار دارد. این نشانه اهمیت بالای ذهنیت‌های فردی در پایدارسازی محلی است. در مقایسه میان شاخص‌های ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی مشخص شد، شاخص‌های عینی تنها با پایداری اجتماعی و شاخص‌های ذهنی با تمامی ابعاد پایداری محلی مرتبط است. این یافته در تأیید نتیجه تحقیق خاکپور و همکاران (۱۳۸۸) است که مفاهیم ذهنی را شرط انکارناپذیر تحقق عینی پایداری دانسته‌اند؛ زیرا تحقق پایداری بدون هم‌راستایی با پتانسیل‌های نهادی و انسانی قابل بهره‌برداری نیست.

این تحقیق نشان داد که توسعه‌یافتگی اقتصادی با اعتماد رسمی همبسته است. این یافته در تأیید نتایج مطالعه قاسمی و همکاران (۱۳۸۹) است که افزایش شعاع اعتماد را عامل مؤثری در توسعه اقتصادی دانسته‌اند. از سویی، این یافته در تناقض با مطالعه عبداللهی و موسوی (۱۳۸۶) است که مراکز سکونتی توسعه‌یافته را در سرایشی فرسایش سرمایه اجتماعی دانسته‌است؛ اما مصاحبه‌ها نشان داد که اکثریت شاغل در سازمان‌های رسمی، از وضعیت اقتصادی و اعتماد بهتر نسبت به این نهادها برخوردار بودند؛ بنابراین خصوصیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان، دلیل این مدعا است.

بنابر نتایج، انسجام اجتماعی با سرمایه اجتماعی دارای رابطه مثبت و معنی‌دار است. این یافته بر -خلاف پژوهش محسنی تبریزی و آقامحسینی (۱۳۸۹) و در تأیید مطالعه موسوی و همکاران (۱۳۹۱) است. مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها نشان داد که به‌واسطه وابستگی مستقیم توسعه محله به فعالیت‌های غیررسمی ساکنان، افزایش سرمایه اجتماعی با افزایش انسجام اجتماعی همراه شده است؛ بنابراین، این گمان تقویت می‌شود که در محله‌ای که توسعه از طریق نیروهای خارج محله‌ای و به صورت دستوری صورت می‌گیرد، انسجام اجتماعی با خطر مواجه خواهد شد.

#### پ) تبیین نظری روابط متغیرها اصلی

روابط میان مؤلفه‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه اجتماعی بیش از مؤلفه‌های محیطی و اقتصادی توسعه پایدار از سرمایه اجتماعی تأثیر پذیرفته است. مصاحبه‌های تکمیلی تأیید کردند که الزامات و قواعد تعریف‌شده در مورد فعالیت‌های اقتصادی و وابستگی مستقیم عوامل محیطی

به تصمیمات سازمان‌های رسمی، تأثیر سرمایه اجتماعی بر این دو، مؤلفه توسعه پایدار را با مشکل مواجه کرده است. در مقابل، مؤلفه‌های اجتماعی توسعه پایدار به واسطه تأثیرپذیری مستقیم از تعاملات اجتماعی محله و دستوری نبودن، به‌طور مستقیم تحت تأثیر تحولات سرمایه اجتماعی قرار دارند.

#### ت) محدودیت‌های پژوهش

با تأکید بر مطالعه کاظمیان و همکاران (۱۳۹۱) وضعیت توسعه محله شمیران نو به‌طور ویژه‌ای از سازمان اجتماعی وابسته به قومیت‌ها و کنشگران متعدد تأثیرپذیر است. خصوصیات ویژه گروه‌های ساکن در این محله، عاملی مداخله‌گر در استخراج نتایج این تحقیق به حساب می‌آید؛ بنابراین در صورتی که این مطالعه در محله‌ای با خصوصیات اجتماعی متفاوت صورت گیرد، نتایج نسبتاً متفاوتی حاصل خواهد شد.

#### ث) پیشنهادها

به نظر می‌رسد سازمان‌های شهری برای حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی ساکنان محلات غیررسمی، بهتر است برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای را از طریق ظرفیت‌های اجتماعی ساکنان و با پیش‌بینی تأثیرات آن‌ها بر اجتماع محله‌ای انجام دهند؛ زیرا نتایج همبستگی‌ها و مصاحبه‌ها تأیید کرد که توجه صرف به احداث دسترسی‌ها و تحولات کالبدی اقتدارگرا، می‌تواند بستر ساز کاهش انسجام اجتماعی و بی‌علاقگی ساکنان برای مشارکت با نهادهای رسمی شود؛ بنابراین حتی نحوه مدیریت امور عمرانی و زیباسازی محلات غیررسمی نیز در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی ساکنان مؤثر خواهد بود.

همچنین از آنجایی که تقویت سرمایه اجتماعی شبکه‌هایی که هنجارهای مرسوم و متعارف جامعه شهری را پذیرا نیستند، در نهایت، به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هنجارشکن ختم خواهد شد، استقرار برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای توسعه هنجارهای رسمی در میان گروه‌های اجتماعی ساکن، راه-حلی طولانی‌مدت برای توسعه اجتماعات محلات غیررسمی به حساب می‌آید. اقدامی که به‌طور غیرمستقیم به مدیریت توسعه این محلات نیز اثرگذار خواهد بود.

## کتاب‌نامه

۱. الوانی، مهدی؛ شیروانی علیرضا، (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). تهران: انتشارات مانی.
۲. ایوانس، باب؛ جوز، مارکو؛ ساندبک، سوزان؛ تنوبالد، کیت. (۱۳۹۰). اداره شهرهای پایدار. ترجمه غلامرضا کاظمیان و خدر فرج کرده. تهران: انتشارات پرهام نقش.
۳. برغمندی، هادی. (۱۳۸۷). «تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید». رفاه اجتماعی. شماره ۲۸. صص ۱۶۳-۱۸۳.
۴. پیران، پرویز. (۱۳۸۱). «باز هم در باب اسکان غیررسمی مورد شیرآباد زاهدان». فصل‌نامه هفت‌شهر. شماره ۹ و ۱۰. صص ۷-۲۵.
۵. پیراهری، نیر. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. شماره ۳. صص ۱۰۹-۱۳۱.
۶. تقوایی، علی اکبر؛ محمدی‌نژاد، هادی. (۱۳۸۵). «توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی». جستارهای شهرسازی. شماره ۱۵ و ۱۶. صص ۳۶-۴۷.
۷. حکمت‌نیا، حسن. (۱۳۸۳). «بررسی و تحلیل سطوح پایداری در محلات شهر یزد و آرایه راهکارهایی در بهبود روند آن». تحقیقات جغرافیایی. شماره ۷۳. صص ۳۷-۵۱.
۸. خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان‌پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادی مشهد)». مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۱۲. صص ۵۵-۸۱.
۹. ربیعی، کامران. (۱۳۸۳). «یک بازی یک‌نفره». کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۶۲. صص ۶۵-۶۵.
۱۰. زاهدی، شمس‌السادات. (۱۳۸۶). توسعه پایدار. تهران: سمت.
۱۱. زاهد زاهدانی، سیدسعید. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۲. سعیدی‌رضوانی، نوید؛ کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۸۲). امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها. جلد اول. بررسی تحولات نظری و تجارت جهانی. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
۱۳. شاهرخ‌آبادی، معصومه. (۱۳۸۹). توصیف محله شمیران نو. تهران: شرکت اندیشه‌سرای نشر. معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران.

۱۴. شفیعا، محمد علی؛ شفیعا، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی، نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو». *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*. جلد ۲۳. شماره ۲. صص ۱۳۹-۱۶۴.
۱۵. صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). «به سوی نظریه‌ای برای سامان‌دهی اسکان غیررسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی». *فصلنامه هفت‌شهر*. شماره ۹ و ۱۰. صص ۳۳-۵.
۱۶. طیبیان، منوچهر. (۱۳۷۸). «شاخص‌های پایداری و نماد آن در محیط‌زیست». *فصلنامه محیط‌شناسی*. شماره ۱۲. صص ۱-۱۲.
۱۷. عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی». *رشد آموزش علوم اجتماعی*. شماره ۲۴. صص ۲۳-۴۰.
۱۸. عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ششم. شماره ۲۵. صص ۱۹۵-۲۳۳.
۱۹. قاسمی، وحید؛ ادیبی سده، مهدی؛ آذربایجانی، کریم؛ توکلی، خالد. (۱۳۸۹). «رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی». *رفاه اجتماعی*. شماره ۳۶. صص ۲۷-۶۰.
۲۰. فیروز آبادی، سید احمد؛ حسینی، سید رسول؛ قاسمی، روح‌الله. (۱۳۸۹). «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی». *رفاه اجتماعی*. شماره ۳۷. صص ۵۷-۹۳.
۲۱. فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی-اجتماعی در کلان‌شهر تهران». *رفاه اجتماعی*. شماره ۲۳. صص ۱۹۷-۲۲۴.
۲۲. قرخلو مهدی؛ حسینی، سید هادی. (۱۳۸۵). «شاخص‌های توسعه پایدار شهری». *جغرافیا و توسعه ناحیه-ای*. شماره ۸. صص ۱۵۷-۱۷۷.
۲۳. قرخلو، مهدی؛ عبدی ینگگی کند، ناصح؛ زنگنه شهرکی، سعید. (۱۳۸۸). «تحلیل سطح پایداری شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی (مورد: شهر سنندج)». *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. شماره ۶۹. صص ۱-۱۶.
۲۴. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۸۳). «در خوب و بد سرمایه اجتماعی». *کتاب ماه علوم اجتماعی*. شماره ۸۹. صص ۴۱-۷۶.
۲۵. کاظمیان، غلامرضا؛ سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۱). *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها*. جلد دوم. تهران: سازمان شهرداری‌ها.

۲۶. کاظمیان غلامرضا؛ قربانی زاده، وجه الله و شفیعا، سعید. (۱۳۹۱). «ارزیابی و شناسایی کنشگران توسعه ناپایدار محله‌های غیررسمی، نمونه موردی: محله غیررسمی شمیران‌نو». نامه معماری و شهرسازی. شماره ۸، صص ۵۷-۷۲.

۲۷. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۲۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. مترجم: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۲۹. محسنی تیریزی، علیرضا؛ آقامحسینی، مریم. (۱۳۸۹). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری، مورد پژوهی: شهر محلات». مدیریت شهری. شماره ۲۶، صص ۱۴۷-۱۶۱.

۳۰. موسایی، میثم؛ شبانی، ملیحه. (۱۳۸۹). «مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران». فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۳۸، صص ۲۴۵-۲۶۸.

۳۱. موسوی، میرنجف؛ قنبری، حکیمه؛ اسماعیل زاده، خالد. (۱۳۹۱). «تحلیل فضایی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری (مورد: شهرهای استان آذربایجان غربی)». فصلنامه جغرافیا و توسعه. شماره ۱، صص ۱-۱۷.

۳۲. مهندسین مشاور عرصه. (۱۳۸۸). تهران: طرح تفصیلی منطقه ۴ شهرداری تهران.

۳۳. نوابخش، مهرداد؛ فدوی، جمیله. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر تهران)». پژوهش نامه علوم اجتماعی. شماره ۳، صص ۲۵-۴۷.

۳۴. نوغانی، محسن؛ اصغریور ماسوله، احمدرضا؛ صفا، شیما؛ کرمانی، مهدی. (۱۳۸۷). «کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد». دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۴۰.

35. Bhuiyan, S. & Evers, H.-D. (2005). *Social Capital and Sustainable Development. Theories and Concepts*. Bonn. Department of Political and Cultural Change. ZEF Working Paper Series: University of Bonn

36. Hays, J; Landiro, C. & Rongerude, J. (2002). *Neighborhood Knowledge for Change*. Oakland: Pacific Institute for Studies in Development, Environment and Security.

37. Ingram, p. & Roberts, P. W. (2000). "Friendship among Competitors in the sydney Hotel Industry". *The American Journal Of Sociology*. Volume 106. Number 2. pp 387-423.

38. Mathenge, M; Swallow, B. & Yatic, T. (2007). *More Effective Synergies for Sustainable Development: Enhancing the Social Capital of Research*

- Organizations Addressing Rural Poverty and Environment in Africa World Agroforestry Centre*. Nairobi: ICRAF.
39. Narayan, D. & Pritchett, L. (1999). "Cents and Sociability. Household Income and Social Capital in Rural Tanzania". *Economic Development and Cultural Change*. 47 (4). pp 871-897.
40. Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work. Civic Tradition in Modern Italy*. Princeto: Princeton University Press.
41. Robert L; Allen, Robert Prescott-Allen. (2001). *The well-bing of nations. The role of human and social capital*. London: Island Press.
42. U.S. National Research Council. (1999). *U.S. National Research Council, Policy Division, Board on Sustainable Development, Our Common Journey. A Transition Toward Sustainability*. Washington: National Academy Press.

